

حق زیبای طلبی و مدیریت اخلاقی آن در متقاضی جراحی زیبایی با رویکرد اسلامی

محمد هدایتی*

محمد نظری پشتکوهی**

چکیده

گرایش به زیبایی و زیباخواهی در فطرت انسان است امروزه یکی از روش‌های ارضای این میل درونی عمل جراحی زیبایی است. در این پژوهش که به شیوه کتابخانه‌ای و توصیفی انجام گرفته است تلاش بر این است تا به این پرسش اصلی پاسخ دهد که چگونه می‌توان این حق را منطبق با آموزه‌های اسلامی مدیریت کرد. فرضیه اول: زیبایی طلبی حق طبیعی و تکوینی آدمی است؛ فرضیه دوم: زیبایی امر نسبی و مصادیق آن تابع شرایط زمان و مکان و تشخیص عرف است و عمل جراحی زیبایی در زمان امروزی مصادق رایجی از این خواسته به حساب می‌آید. فرضیه سوم: این حق می‌بایست به تراز اخلاق درآمد و با معیارهای ارزشی سنجیده شود. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد جراحی زیبایی که از مصادیق زیبایی طلبی انسان است برای این که مانند سایر حقوق طبیعی آدمی مدیریت شود می‌بایست خود را با اصول و مرزهای اخلاقی منطبق سازد.

واژگان کلیدی

جراحی زیبایی، حق فطری، حق طبیعی، زینت، اخلاق اسلامی، خودنمایی، تدلیس.

طرح مسئله

زیبایی امری نسبی است و مصادیق آن در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، متفاوت می‌گردد. باگذشت زمان و تغییر و تحولاتی که به تدریج بین فرهنگ‌ها و جامعه‌ها روی داده است، مسئله زیبایی و زیندگی، اشکال مختلفی پیدا کرده و روش‌های زیبا دیده شدن نیز متفاوت شده است. در گذشته برای زیبا دیده شدن، از وسایل آرایشی و زیورآلات استفاده می‌کردند. درمان طبیعی پرمویی یا زیباسازی پوست از عهد باستان گزارش شده است. (برجسته و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۰، ۱۵۸ و ۱۶۱) تا چند دهه پیش داشتن دندان‌های طلا به‌ویژه در قسمت جلوی دهان زیوری نوین به حساب می‌آمد و روکش تمام طلای دندان مظهر زیبایی بود. در دهه‌های کنونی با گسترش ارتباطات و تعاملات و پیشرفت وسایل زیبایی، شاهد بروز پدیده عمل زیبایی هستیم.

در باب اخلاق جراحی زیبایی و پیرامون اخلاق پزشکی، پژوهش‌های متعدد و سودمندی انجام شده است.^۱ تبدیل شدن جراحی زیبایی به یک صنعت و بازار کسب سود با گردش مالی فراوان بر اثر تبلیغات تجاری و مغایرت آن با شأن حرفه طبابت و اخلاق پزشکی، به خطر افتادن غیر ضروری سلامتی بیمار به سبب بزرگ‌نمایی لزوم این جراحی‌ها، عدم رضایت بیمار در اثر افزایش خطاهای پزشکی و نسنجیدن صادقانه توان پزشکی در برآوردن توقعات بیمار، ضرورت تدوین آیین‌نامه اخلاقی در زمینه جراحی‌های زیبایی و ترمیمی و تصویب قانونی آن را آشکار کرده است. (خباز و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۱) آنچه موضوع این نوشته را به خود اختصاص داده، اخلاق متقاضی جراحی زیبایی است

۱. به‌عنوان نمونه رک: مریل اولسن، *جراحی زیبایی*، ترجمه شهروز فرهنگ، تهران، کلید آموزش، ۱۳۸۸؛ محمدطاهر الحسینی، *عملیات التجمیل الجراحیه ومشروعیتها الجزائیه بین الشریعة والقانون*، بیروت، مرکز ابن‌ادریس حلّی للدراسات الفقهیه، ۱۴۲۹؛ سمیه معروفی‌آذر و همکاران، *جراحی زیبایی و تدلیس در تکاح از منظر فقه و حقوق موضوعه ایران*، تهران، شاپرک سرخ، ۱۳۹۸؛ مریم عزیزی و همکاران، «ملاحظات اخلاقی در جراحی‌های زیبایی»، *مجله اخلاق و تاریخ پزشکی*، سال ۱۳۸۷، ش ۳، ص ۲۵؛ ایوب شکرمرجی و همکار، «جراحی زیبایی از منظر فقه و حقوق پزشکی»، *فصلنامه حقوق پزشکی*، سال دوم، ش ۶، پاییز ۱۳۸۷، ص ۵۳؛ میثم کلهرنیا گلکار و همکاران، «بررسی فقهی حقوقی مبانی و محدوده تجویز جراحی پزشکی زیبایی و ترمیمی»، *فصلنامه حقوق پزشکی*، سال ششم، ش ۲۱، تابستان ۱۳۹۱، ص ۷۹؛ سید ابوالقاسم نقیعی و همکاران، «واکاوی موضوع‌شناسی و مستندات حکم‌شناسی جراحی زیبایی»، *نشریه علمی پژوهشی اخلاق زیستی*، ش ۱۶، دانشگاه شهید مطهری، ص ۷۷، تابستان ۱۳۹۴؛ مرتضی رحیمی و همکار، «مصادیق تدلیس در جراحی‌ها و اعمال افزایش‌دهنده زیبایی»، *مجله مبانی فقهی حقوق اسلامی*، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، دوره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۸، ش ۲۳، ص ۶۳؛ سرور خبازثابت و همکاران، «رابطه بین گرایش به جراحی زیبایی با تصویر بدنی منفی و باورهای غیرمنطقی زنان متقاضی جراحی زیبایی (نقش میانجی‌گری تنظیم‌شناختی هیجان)»، *مجله روانشناسی سلامت*، تهران، سال یازدهم، ش ۴۴، زمستان ۱۴۰۱: ۳۱؛ محمد هدایتی و محمد نظری پشتکوهی، «اخلاق جراحی زیبایی با رویکرد اسلامی»، *فصلنامه مطالعات اخلاقی*، س ۱۲، ش ۴۷، پاییز ۱۴۰۱، ص ۱۶۵ - ۱۴۵.

که کمتر از آن سخن رفته است. مکتوب زیر تلاش دارد برخی از فضایل و ردائیل اخلاقی این حوزه را شناسایی کند و بر پایه آموزه‌های دینی، تحلیلی از آن ارائه دهد

اکنون به برخی از واژگان مهمی که فهم آنها در شکل‌گیری و تحقق موضوع دخالت دارند اشاره می‌کنیم:

تبیین مفاهیم

۱. جراحی زیبایی

جراحی زیبایی یکی از زیرشاخه‌های جراحی پلاستیک است که به منظور خوش‌نمایی اندام‌ها، زیندگی جوارح، هماهنگی اندام، زدایش یا جبران عیب‌های ظاهری و کاستی‌ها و عارضه‌های مادرزادی، با ایجاد تغییرات معمولاً دائمی در شکل و اندازه صورت یا بدن انجام می‌گیرد. (اولسن، ۱۳۸۸: ۸) برخی عمل پزشکی را به هنر تعریف کرده‌اند. (توسام، ۱۳۹۸: ۲۰) این رویکرد هنری در جراحی زیبایی به‌عنوان بخشی از دانش پزشکی نمایان‌تر است. برداشتن نازیبایی‌ها یا افزودن زیبایی‌ها در پیکر جراحی و تزریق و مانند آن، در موارد زیر میان مردان و زنان رواج دارد: جراحی زیبایی صورت، شامل بینی، پلک، گوش، فک، چشم، چانه؛ ورت، ابرو، لب، جراحی زیبایی گردن و غبغب، جراحی زیبایی شکم، سینه، پهلو، بازو، پشت، ران، شرمگاه، لاغری و پیکرتراشی.

عمل زیبایی مانند همه جراحی‌ها، ریسک بالایی دارد و گاهی با عوارض و آسیب‌هایی جسمی و روحی همراه می‌شود. عوارض جسمی همانند تورم، عفونت، درد مداوم، خون‌ریزی، تجمع مایعات، لخته شدن خون، بی‌نظمی و تغییر رنگ پوست، بهبود ضعیف زخم، مرگ بافت و فلج یا آسیب عصبی، خطرات بیهوشی دربرگیرنده شوک، نارسایی تنفسی، واکنش‌های دارویی یا آلرژیک، ایست قلبی، کما، مرگ؛ و نیز عوارض روحی از قبیل استرس، کلافگی، بی‌خوابی و افسردگی از شایع‌ترین عوارض جراحی زیبایی است.

(https://www.verywellhealth.com/facial_plastic_surgery_overview_5114443)

۲. اخلاق اسلامی

«اخلاق» واژه‌ای است عربی و جمع مکسر خُلُق و خُلُق. خُلُق به‌معنای سرشت، سجیت و طبیعت و مربوط به آن‌دسته از صفاتی است که در نفس، راسخ و تثبیت‌شده است، به‌گونه‌ای که صاحب آن صفت بی‌درنگ کار متناسب و همسان با آن را انجام می‌دهد. (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۰۱؛ مسکویه، ۱۳۷۱: ۵۱)

اخلاق در اصطلاح در معانی مختلفی به کار می‌رود؛ ولی مقصود در اینجا دانشی است که صفات

نفسانی خوب و بد و رفتارهای متناسب با آنها را معرفی می‌کند و شیوه به‌دست آوردن صفات خوب و انجام اعمال پسندیده و دوری از صفات بد و کردار ناپسند را نشان می‌دهد. (هدایتی، ۱۳۹۵: ۱۷۹)

یکی از مأموریت‌های این علم، تأمل درباره ابعاد اخلاقی مسائل و موضوعاتی است که به مشاغل و حرفه‌های خاصی چون پزشکی، مهندسی، تجارت، سیاست و تعلیم و تربیت مربوط می‌شود که به آن اخلاق حرفه گفته می‌شود. (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۸: ۱۱) بر این اساس، اخلاق جراحی زیبایی، شاخه‌ای از اخلاق حرفه‌ای است که در آن ملاحظات اخلاقی برای هدایت هنجاری صفات و رفتارهای پزشک جراح و متقاضی آن بررسی می‌شود.

خداوند نیروی شناخت حسن و قبح را درون آدمی قرار داده و ادراک اخلاقی به گواهی خود قرآن در هویت و تحقق ارتباطی با دین ندارد و تا حدود زیادی عقل انسان‌ها به‌صورت مشترک آن را می‌شناسد و بر آن توافق دارد (شمس / ۸؛ فصلت / ۳۴؛ انبیاء / ۷۳) هرچند دین و آموزه‌های آن می‌تواند در تقویت و تکمیل و بالندگی و بازگفت درست موارد اجرای آن نقش بسزایی داشته باشد. (هدایتی ۱۳۹۳: ۶۲۵)

اکنون مقصود از اخلاق با رویکرد اسلامی، همان اخلاق فطری و الهامی و آداب و صفات و رفتارهای ارزشی مشترک میان همه انسان‌هاست که با وعده و وعیدهای آیات و روایات و تنبیه و توجه و رهنمودهای دینی آمیخته و با مرزهای ثابت شریعت اسلامی هماهنگ باشد.

۳. زیبایی

برخی باور دارند زیبایی، مقوله‌ای یافتنی و چشیدنی است و نمی‌توان برای آن تعریفی بیان کرد. به تعبیری از قبیل «مما یدرک و لا یوصف» است. شهید مطهری در این باره می‌فرماید:

آیا زیبایی را می‌توان تعریف کرد که چیست؟ نه نمی‌توان. درباره فصاحت که از مقوله زیبایی است، دانشمندان می‌گویند: به‌راستی، فصاحت را نمی‌توان تعریف واقعی کرد ... و ما در دنیا خیلی چیزها داریم که انسان وجودش را درک می‌کند، ولی نمی‌تواند آن را تعریف کند، زیبایی از همین قبیل است. (مطهری، ۱۳۸۷: ۹۷)

برخی دیگر بر این باورند که زیبایی اگرچه حس کردنی است و نمی‌توان آن را به‌درستی تبیین و تعریف کرد، با این حال می‌توان تعاریفی هرچند مجمل و سر بسته و نیمه‌کاره از آن ارائه کرد. بنابراین واژه زیبا، در لغت مرکب از زیب همراه الف به‌معنای نیکو و خوب، و نقیض زشت و بد است و در معنای وصفی زیبنده، خوش‌نما، خوب‌رو و خوشگل به‌کار می‌رود. (دهخدا، ۱۳۹۵: ۲۰ / ۱۸) در اصطلاح، برخی

زیبایی را مساوی با هنر می‌دانند (رید، ۱۳۵۴: ۳) و دسته‌ای زیبایی را به معنای هماهنگی و جور آمدن اندام‌های تشکیل‌دهنده یک شیء یا یک کیفیت دانسته و در تعریف آن گفته‌اند:

زیبایی عبارت است از جور آمدن و هماهنگی اعضای متشکله هر کیفیت یا هر شیء یا هر جسم، با داشتن سازش با پیرامون و ایجاد تأثیر جاذب و ستایش‌آور در انسان، درحالی‌که یا نیروی موهبت و شهود ادبی آن را دریابد، یا لطافت ذوق آن را درک کند، یا باریکی فکر و عمق اندیشه و خلاصه عقل صحت تناسبات و هماهنگی و شایستگی هدف را در شیء زیبا تشخیص دهد؛ یا وسعت تصور و یا عادت و یا غریزه جنسی و یا عوامل شش‌گانه بالا، باهم آن را به زیبایی بشناسد. (دانشور، ۱۳۷۵: ۱۳۵)

مبانی موضوع

مقصود از مبانی، پیش‌فرض‌ها و پایه‌های بحث است که شاکله اصلی این نوشتار مبتنی و متوقف بر آن است و با پذیرش این مبانی به صورت پیش‌فرض، این نوشتار سامان می‌یابد که در ذیل به آن می‌پردازیم:

۱. زیبایی و حق فطری

جمال و زیبایی به عنوان یک خواسته فطری در همه شئون زندگی انسان دخالت دارد. (نهاماس، ۱۴۰۰: ۱۱۰) این گرایش در حیوان وجود ندارد و خواست طبیعی انسان و حس اصیل اوست و از ارزش بنیادی برخوردار است. حس جمال‌پسندی پرتوی از وجود یزدانی و منشعب از فطرت خداجوی بشری است. بر پایه گزارش‌های تاریخی، ایرانیان به زیبایی گرایش و باور راسخی داشته و آن را جزو ارزش‌های ریشه‌ای به حساب می‌آوردند. (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۳ / ۵۰۵ و ۱۵ / ۹۸۰؛ دوران، ۱۳۸۹: ۳۴)

زیباطلبی حق طبیعی^۱ انسان و از جمله حقوق تکوینی است که لازمه طبیعت آدمی است. (کاتوزیان، ۱۳۹۸: ۶) وجود زیبایی در طبیعت سبب می‌شود تا انسان درباره بهره‌گیری از آنها صاحب حق شود. حقوق طبیعی و فطری از مسیر آفرینش پدیدار می‌شوند و هر استعداد طبیعی، سندی طبیعی، برای یک حق طبیعی است. دستگاه خلقت با روشن‌بینی و توجه به هدف، موجودات را به سوی شایستگی‌هایی سوق می‌دهد که استعداد آنها را در وجودشان نهفته است. (جعفری، ۱۳۶۹: ۷۶) آنها را به ابزارها و نیروهایی مجهز می‌کند که بتوانند استعدادهای خود را در مسیر تکامل به فعلیت برسانند. از این جهت

۱. حقوق طبیعی، اصول و قواعد ثابتی است که از اراده حکومت‌ها و غایت مطلوب انسان برتر است و قانون‌گذار باید آنها را سرمشق خود قرار دهد.

می‌توان گفت زیبایی‌طلبی مانند هر حق طبیعی دیگر که بر پایه فلسفه آفرینش، غایت رسیدن طبیعت به هدف خود را فراهم می‌کند، نه تنها ناسازگاری و مبادینتی با حقوق الهی ندارد؛ بالاتر از آن قابل از میان بردن هم نیست و هر جامعه‌ای که با قوانین اجتماعی خود بیشتر بتواند این حقوق طبیعی انسان‌ها را تأمین کند به عدالت واقعی نزدیک‌تر خواهد بود. (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۳ / ۸۲۳؛ ۱۹ / ۱۵۸؛ ۳۰ / ۴۶۰)

۲. زیبایی‌طلبی و اخلاق

درست است که آدمی حقوقی دارد، ولی حقوق هم حدودی دارند و انسان را بر ضوابطی ملزم می‌کنند. (شریف رضی، ۱۳۷۹: ۶۸۱؛ مطهری، ۱۳۸۵: ۳ / ۲۶۰) به راستی هر حقی باید به میزان اخلاق درآید و با معیارهای ارزشی سنجیده شود. (ساکت، ۱۳۸۷: ۴۹۰؛ جندقی، ۱۳۹۷: ۲ / ۲۳۹ و ۴۷۲) زیبایی‌شناسی به‌عنوان یک دانش، هرچند در ذات خود از اخلاق، مستقل و متمایز است (توفیق، ۱۳۹۵: ۶۴؛ مورر، ۱۳۹۲: ۱۱۷) ولی برای اجرا و پیاده‌سازی نیازمند آزمون اخلاقی است. (نهاماس، ۱۴۰۰: ۱۱۰) خوش‌نمایی و زیبایی‌طلبی مانند هر امر فطری و میل بی‌انتهای دیگری باید کنترل و مواظبت گردد تا به انحراف کشیده نشود. گاهی انسان برای زیندگی دست به هر کاری می‌زند تا زیباتر دیده شود. شناخت مرزهای درست از نادرست و نیکو از نکوهیده در این موضوع بایسته به نظر می‌رسد. (کوماراسوامی، ۱۳۸۹: ۱۵۷ و ۱۶۶؛ جعفری، ۱۳۶۹: ۱۶۵)

۳. زیبایی و زینت در اسلام

میل به زیبایی و رغبت به زیاده‌شدن در هر انسانی وجود دارد و تمایل به آن از کمال‌خواهی آدمی سرچشمه می‌گیرد. زینت نیز با حس زیبایی‌طلبی و زیندگی انسان در ارتباط است. خداوند زینت و آرایش را برای همه بندگان قرار داده و کسانی که با روحی خشن و دیدی ناستوار و ظرفیتی تنگ به‌سوی جلوگیری از آن می‌روند را مورد خطاب و عتاب قرار می‌دهد. (اعراف / ۳۲) بر پایه گزارش‌های روایی، زیبایی و آراستگی محبوب خداوند (طبرسی، ۱۴۲۵: ۱ / ۱۰۰) و مورد خواست اولیای الهی بوده است. (همان: ۱۱۱) بزرگ‌ترین پیامبر خداوند گذشته از زیبایی باطنی، خود را به زیبایی ظاهری می‌آراستند و آن را در روابط اجتماعی و برای حضور میان دیگران و وظیفه دینی خویش می‌دانستند. (همان: ۸۴؛ طباطبایی، ۱۴۲۷: ۱۱۸) زیبایی به‌صورت یک دانش از یونان قدیم (تاتارکیویچ، ۱۳۹۲: ۱ / ۳۵) به جرگه علوم انسانی وارد شد (همان: ۲ / ۴۶۰) و در دوران مدرن به طرز بی‌نظیری جوراجورتر گشت. (همان: ۴۵۴)

عوامل مؤثر بر روی آوردن به جراحی زیبایی

مواردی، جراحی زیبایی برای برطرف کردن و زدایش عیب‌های مادرزادی یا زشتی‌های عارضی پیش‌آمده در اثر سوختگی، جراحت و شکستگی و مانند آن، به‌طور غیر مستقیم در ارجمندی روحی و تعادل روانی فرد مؤثر است و در این حالت درخواست بیمار پذیرفتنی نمود می‌کند ولی در برخی موارد عوامل دیگری در این امر دخیل است که به برجسته‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. عدم اعتماد به نفس و بازیافت آن

گاهی عمل برای برطرف کردن نقص یک عضو یا زیباسازی واقعی نیست و به‌صورت یک عادت و وسواس، ریشه روانی در متقاضی دارد. او به خاطر تصویری که از خویش در ذهن دارد دچار بیماری ناپسندانگاری و اختلال روانی بدریخت‌انگاری است. هر بار مقابل آینه می‌ایستد پدیده خودبدی او را سرگردان و از دیدن خویش احساس بی‌زاری می‌کند. برابر خود، شخصی را مشاهده می‌کند که با تصور و انتظاراتش کاملاً بیگانه است. سندرم خودزشت‌انگاری، اعتماد به نفس را در وی مختل کرده است. میل به زیبایی با انحراف به‌گونه‌ای از وسواس و شک‌گرایی، باعث می‌شود به هر شکلی هم درآید از خودراضی نباشد و فکر کند باید شکل دیگری داشته باشد. از ظاهر خود چشم‌داشت دیگری دارد. درخواست او در واقع تغییر فیزیکی نیست؛ بلکه تغییر تصویری است که از خویش در ذهن خود ایجاد کرده است. او در اثر بی‌اعتمادی به خود، با بدن خود مشکل دارد. این افراد از جسم و ظاهر خویش دل‌زده‌اند و به اندام خود لقب‌های زشت می‌دهند و قد، گردن، صورت، بینی، گوش یا دیگر اندام‌های خویش را به اوصاف ناشایستی وصف می‌کنند. از وضعیت ظاهری خود ترس نگران‌کننده و نسبت به تغییر شکل خویش، تمایل شدیدی دارند. ذهنیت منفی و بی‌اعتمادی به حسن خود، سبب می‌شود که در بازار زیبایی، محصولی بیابند تا این دل‌زدگی از تنشان را برطرف کند.

بر پایه روایات، چنین افرادی در واقع ارزش واقعی خود را گم کرده و به اشتباه در بیرون خود، جویای آن هستند. (تمیمی آمدی، ۱۳۸۶: ۲ / ۲۲) شایسته بودن و ناشایست بودن وابسته به گزینشی است که برای خود انتخاب می‌کنند. (همان: ۵۱۰) اگر به‌جای بازی خوردن از نفس فریبده (واسطی، ۱۳۷۶: ۱۵۱) و سهل‌انگاری در مدیریت خواسته‌های آن (کلینی، ۱۳۶۳: ۱ / ۴۵) بزرگی حقیقی را در خود بیابند و آن را از آلودگی به دلخواهی‌های معیوب و خواسته‌های نامعقول پرهیز دهند و رضایت از خود را نه در زیر تیغ جراحی، بلکه در مرتبه‌های بلند انسانیت ببینند، آرامش و تسکین می‌یابند. (تمیمی آمدی، ۱۳۸۶: ۱ / ۵۹۷)

۲. تنوع‌طلبی و تغییرخواهی

در عصر حاضر عواملی چون پوچی، بی‌معنایی زندگی، بی‌نشاطی و افسردگی سبب شده تا گروهی فارغ از زیبایی و زشتی و تنها به هوس تغییر، به جراحی زیبایی اقدام کنند. آنها چون از زندگی خود رضایتی ندارند و آن را بی‌پایه و کسل‌کننده می‌یابند برای برون‌رفت از چنین وضعیتی مهم‌ترین راهی که به اندیشه‌شان می‌رسد تغییر در ظاهر و چهره است. همان‌که چندگاهی دل‌مشغول آن شده و از جورواجوری به وجود آمده تسکین یافتند، مدل و تغییر دیگری را تجربه می‌کنند. از دیدگاه اخلاقی هرچند ایستایی بر یک ظاهر و خمودی و بی‌تحریکی در سیر زندگی توصیه نشده، ولی صرف تغییر و تنوع از سر پوچی و بی‌محتوایی هم سفارش نشده است.

آموزه‌های اسلامی زندگی دنیایی را در راستای سرای جاویدان معرفی کرده و آن را توخالی و پوچ نمی‌داند. (مفید، ۱۴۱۴ق: ۱ / ۲۳۸) دل‌خوشی انسان باایمان در راستای امور ماندنی و پایدار است نه تغییرهای بی‌محتوا و زودگذر. چنین شخصی سرمایه زندگی و عمر خود را در اموری هزینه می‌کند که ببرد او بخورد و بماند، نه چیزی که صرفاً دلش را مشغول کند و تنوعی گذرا بخشد. (حلوانی، ۱۴۰۸ق: ۷۹)

۳. خودنمایی

گسترش تعاملات آزاد فرهنگی و فضای باز مجازی و رسانه‌ها، میل به زیبایی را به‌نوعی خودنمایی و تمایل به جدایی و ممتاز بودن از دیگران تبدیل کرده است. این رغبت که هرروز هم در حال گسترش و تنوع است، فرد را - هرچند از عمل قبلی زیبایی خود رضایت داشته - به این فکر می‌کشد که بازهم با انجام عمل زیبایی دیگری، در بدن خود تغییری ایجاد کند تا خویش را در شکل سرآمدتری جلوه دهد. در دیدگاه وی چهره جذاب، اساس توفیق اجتماعی است و فرد به فراخور ویژگی‌های ظاهری مورد داوری قرار می‌گیرد. پس به‌رغم اینکه می‌داند انجام عمل‌های زیبایی با احتمال عوارض و خطراتی همراه است ولی برای اینکه نسبت به افراد دیگر از امتیاز ویژه برخوردار و در کانون توجه و دید همگان باشد، ریسک چنین جراحی‌هایی را می‌پذیرد و ظاهر خود را به بازار صنعت بدن می‌سپارند تا در مسابقه بدن خود با بدن دیگران جلودار میدان جذابیت و نمایش زیبایی و خودنمایی باشد.

گرایش آدمی به آرایش و زینت و جراحی زیبایی تا هنگامی که برخاسته از حس طبیعی و خدادادی و پیراسته از آلودگی‌های نفسانی باشد نکوهش نمی‌شود؛ ولی اگر با غرور و خودبزرگ‌بینی و تفاخر آلوده گشت ناپسند می‌گردد. جلوه‌گری از سر فخرفروشی و چشم‌وهم‌چشمی از روی مباحثات

حق زیبایی‌طلبی و مدیریت اخلاقی آن در متقاضی جراحی زیبایی با رویکرد اسلامی □ ۱۴۳

نوعی حماقت است و نظر رحمت خداوند را برمی‌گرداند. (واسطی، ۱۳۷۶: ۵۳۷؛ هندی، ۱۴۰۹: ۱۵ / ۳۱۸) آدمی را به تباهی می‌کشاند و در قیامت روسیاه محشور می‌سازد. (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۲۳ق: ۲۱۵؛ صدوق، ۱۳۶۸: ۲۵۵) زنان نیز اگر از این غریزه برای فریفتن و دل ربودن و برانگیختن و شکارچی‌گری و در نتیجه نابودی سرمایه عصمت و عفاف استفاده کنند به رستگاری خود و جامعه آسیب می‌زنند. (نور / ۳۱)

۴. مدگرایی و چشم و هم‌چشمی

موضوع جراحی زیبایی گذشته از پایه روان‌شناسی - که پیش‌تر به آن پرداخته شد - به مسئله جامعه‌شناسی و مدهای اجتماعی هم مربوط می‌شود. عوامل تبلیغاتی و فرهنگی، با مد کردن مدلی از شکل صورت و اعضای آن و کهنه و قدیمی جلوه دادن گونه‌ای دیگر، تب و التهاب اجتماعی ایجاد کرده و افراد را به‌ناچار به جراحی‌های زیبایی گرایش می‌دهند. آنان با اینکه گاهی از طبقات متوسط و پایین جامعه هم هستند بر اثر توجه افراطی به قضاوت و تأیید دیگران و هم‌رنگ‌جماعت‌شدن، با دشواری بسیار، هزینه جراحی را فراهم می‌کنند تا بتوانند به‌نوعی احساس چشم‌وهم‌چشمی در مدگرایی و همگونی با کسانی که به‌صورت جدید درآمده‌اند را ارضاء کنند. گاهی نیز ضعف شخصیت و فقدان پایگاه اجتماعی و کوتاه‌فکری نیز سبب می‌شود به تصور رهایی از فشار اجتماعی و پنداشت دست انداختن دیگران تن به چنین تقلیدی بدهند.

نوگرایی و ظاهر خوشایند داشتن و دلپذیر بودن و گریزانی از یکنواختی و میل به تحول در آموزه‌های دینی مردود نیست، ولی باید مبتنی بر عقلانیت و خردورزی باشد و نه از سر پوچی و بی‌هدفی. (مؤمنون / ۱۱۵) رعایت عرف و فرزند زمان بودن نیز مورد سفارش است. (تمیمی آمدی، ۱۳۸۶: ۱ / ۴۸۷) سزاوار است آدمی مطابق با رسم رایج و فرهنگ زمان و مکان، خودش را زینت دهد و با اقتضای روزگار همراهی کند (کلینی، ۱۳۶۳: ۱ / ۴۱۱؛ ۶ / ۴۴۰) ولی به چشم آمدن و جذاب شدن وقتی به هنجارشکنی و ضدیت با عرف خانوادگی، اجتماعی و فرهنگ روزگار بینجامد روا نخواهد بود.

ملاحظات اخلاقی در جراحی زیبایی

جراحی زیبایی - که کمتر کاربرد درمانی و بیشتر برای بازسازی و زیباسازی صورت می‌پذیرد - در مواردی مانند پیرایش و مرتب کردن دندان و فک برای برخی اشخاص تأثیر مثبت دارد. چهره را بسامان و زیباتر می‌سازد و سبب می‌شود بیمار پس از عمل احساس بهتر و برازنده‌تری در جایگاه و

منزلت اجتماعی خود داشته باشد. ولی در خیلی از موارد، انجام درمان‌های زیبایی ضرورتی ندارد و آسیب‌پذیری و خطرهای احتمالی آن با برآورد بخردانه توجیه‌پذیر نخواهد بود.

بررسی و مطالعه اخلاقی در این زمینه سبب می‌شود گذشته از آراستگی متقاضی به فضایل اخلاقی این حوزه و اجتناب از ردایل مورد ابتلا، در راستای انتخاب درست و گزینش موقعیت صحیح فرهنگ‌سازی مناسبی صورت گیرد. اکنون به تبیین برخی از فضایل و ردایلی می‌پردازیم که متقاضی جراحی زیبایی مناسب است قبل یا بعد از عمل و حتی حین جراحی زیبایی به آنها توجه کند و خویش را به نیکویی‌های آن بیاراید و از زشتی‌هایش پرهیز دهد.

۱. توجه به کرامت انسانی و عزت نفس

امروزه امواج حجیم تبلیغات مدرن با زدودن کرامت و حرمت واقعی انسان، سبب می‌شوند شخص با دست‌کم گرفتن خود تا مرز چالش هویت پیش رود و به «دیگرپرستی» روی آورد. این دسته افراد که معمولاً از شهرت و احترام و شخصیت بالای اجتماعی محرومند برای گران نشان دادن کلاهی وجودی خود، با تقلید از طبقه‌های متشخص‌تر و هم‌نوابی با سبک ظاهری آنان، تلاش می‌کنند خود را وابسته به لایه‌های بالاتر و پرآوازه‌تر اجتماعی وانمود کنند. آنان چون حرمت و عزت قابلی برای خود نمی‌یابند حداقل در ظاهر می‌کوشند با همسان شدن به شخصیت‌های مشهور برای خود تشخیص پیدا کنند. گاه این شبیه‌سازی به‌اندازه‌ای است که با درگیری با کرامت اصلی انسانی، او را تا اندازه شخصیت‌های کارتونی یا مدل و شکل هنرپیشه‌های سینمایی یا بازیکنان ورزشی تقلیل دهد. البته الگوگیری از نشان‌های مثبت رفتاری و اخلاقی و یا حتی مظاهر زیبا، ناپسند نیست (تمیمی آمدی، ۱۳۸۶: ۲ / ۳۱۹) ولی تقلید از شکل ظاهری افراد صرفاً به خاطر کسب تشخص و شهرت اجتماعی و هم‌پایه شدن با موقعیت اجتماعی آنان برآمده از کم اهمیت دانستن خود و رویکرد شیء‌انگاری به خویشتن و فدا کردن حرمت شخصی به بهای بزرگانگاشتن‌های پنداری است. او دیگر پایگاه اصلی برای خود ندارد و معلق در فضا به هر سویی می‌رود و به‌نوعی از خودبیگانگی و بی‌اصالتی مفرط دچار می‌شود. همچون عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی خود را به دست جراحی زیبایی می‌سپارد تا بر پایه زیبایی و زشتی که مافیای ثروت برای او تعیین کرده است در بازی تبلیغاتی آنان وارد شود. انسان گوهری قیمتی و پربه‌اء است و سزاوار نیست ارجمندی حقیقت خود را با چنین خواسته‌هایی سبک و خوار کند. (همان: ۴۹۶؛ شریف رضی، ۱۳۷۹: ۱۲۹۳) تقلید و الگوگیری تا هنگامی که بر پایه فکر درست و هدف نیکو باشد یکی از ابزار کامیابی و مطلوب است؛ ولی تقلید بی‌پایه و طوطی‌وار نکوهیده

حق زیبایی‌طلبی و مدیریت اخلاقی آن در متقاضی جراحی زیبایی با رویکرد اسلامی □ ۱۴۵

است، (بقره / ۱۷۰) به‌ویژه وقتی به اسراف و نوعی سرگرمی غافلانه و مسابقه در بازی فریبنده دنیایی گرفتار آید. (انعام / ۱۴۱؛ یونس / ۸۳؛ حدید / ۲۰)

۲. باطن‌گرایی

نگاه جدید به‌دلیل سیطره کمیت و محسوس‌انگاری، متمایل به بیرون و ظاهر شده است. ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی تغییر کرده و ملاک ارزش انسان به زیبایی‌های ظاهری و مصنوعی تبدیل یافته است. دیگر اصالت چهره‌هاست که حرف اول را می‌زند. این پندار، درون و باطن را محور بزرگی و احترام و معیاری برای ارزیابی نمی‌بیند و به‌جای اینکه به روح و روان، اندیشه و دانش و جوانمردی توجه داشته باشد به ظاهر معطوف می‌شود. در اخلاق مصرفی متأثر از جامعه مصرف‌گرا، بدن و چهره به‌عنوان شیء قابل سرمایه‌گذاری، جایگزین اخلاق و روان شده است. هرچه فرد در ظاهر بهتر و فریبنده‌تر باشد، خریدار بیشتری دارد و متاع گران‌قیمت‌تری به‌حساب می‌آید.

درحالی‌که در دیدگاه دینی، اصالت با بعد باطنی و جنبه ملکوتی انسان است، از تأکید آیات و روایات بر لزوم زیبایی سریره و پاکی صورت ملکوتی (شمس / ۹؛ شعراء / ۸۸ و ۸۹؛ شریف رضی، ۱۳۷۹: ۶۸۱) استفاده می‌شود که محاسبات ظاهری مبنای واقع قرار نمی‌گیرند و قیمت انسان براساس بعد باطنی او ارزیابی می‌شود؛ چنان‌که حشر او نیز بر این جنبه است و همان باطن عینیت‌بخش اعمال انسان قرار می‌گیرد. (اسراء / ۹۷؛ نساء / ۱۰) چه بسیار رفتار و ظاهرهای آراسته و دل‌فریبی که درونی زشت و ماهیتی آلوده و درون‌مایه‌ای نفرت‌آور و آتشین دارند. (جعفری، ۱۳۶۹: ۷۶) زیبایی ظاهری پسندیده است ولی آنچه باارزش و اصل است نیکویی درون و صفات باطنی انسان است. (کلینی، ۱۳۶۳: ۸ / ۳۰۷؛ شریف رضی، ۱۳۷۹: ۴۸۱؛ صدوق، ۱۴۱۰ق: ۱۷۴)

۳. بسندگی به زیبایی طبیعی

ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که ایدئال‌های زیبایی و اهمیت خوشگلی و جذاب‌به‌نظر رسیدن پیوسته به ما یادآوری می‌شود. می‌توان گفت تعداد قابل‌توجهی از افراد متقاضی جراحی زیبایی به‌خودی‌خود، از زیبایی طبیعی برخوردارند و اگر عمل زیبایی را انجام ندهند، اتفاقی برای آنان رخ نمی‌دهد؛ اما به طمع زیبایی بیشتر، به این امر گرایش پیدا می‌کنند. البته کسی منکر نیکویی زیبایی نیست، ولی در این بین توجه به دو امر مفید است:

نخست اینکه زیبایی امری نسبی است و معیارهای زیبایی و زیبایی‌شناسی هم متفاوت است.

بالین همه سرشت آدمی به‌گونه‌ای است که حالت طبیعی زیبایی برای او بیش از زیبایی تصنعی و ساختگی جلوه می‌کند. (مصطفوی، ۲۰۰۹ م: ۷ / ۳۶۰؛ تاتارکیویچ، ۱۳۹۲: ۲ / ۴۵۷) طبیعت، خود زیباست (مورر، ۱۳۹۲: ۸۳؛ کوماراسوامی، ۱۳۸۹: ۱۶۷) و به مثابه آنکه پدیده طبیعی است، مصون از بسیاری از عیب‌هایی است که زیبایی‌های مصنوعی در آثار هنری به آسیب آن دچار می‌شوند، هرچند نتوان ثابت کرد که هر شیء طبیعی از ارزش زیبایی‌شناختی فراگیر و مثبتی برخوردار است. (لوینسون، ۱۳۹۰: ۱۰۰ و ۱۰۴)

انسان بیشتر خواستار کسانی است که کمتر به خود مشغولند و از هر تکلف و تصنعی آزاد و رها هستند. معصومیت چهره‌هایی که با شکل طبیعی‌شان حالتی از شادی و انرژی و خودمانی بودن را به نمایش می‌گذارند بسیار جذاب‌تر به نظر می‌رسد. گاهی پردازش‌های مصنوعی به‌ظاهر نوعی دو چهرگی و خلاف فضیلت سادگی به حساب می‌آید. سادگی یعنی کفایت واقعیت برای واقعیت و قبول کردن خود همان‌گونه که هست. خودسادگی چنان باظرافت و جذاب است که می‌تواند عیب‌ها را قابل تحمل کند و کمبودها را پوشش دهد. (اسپونویل، ۱۳۸۸: ۲۰۵)

دوم اینکه صورت طبیعی مجموعه‌ای از یک صحنه‌آرایی است که در بسته منسجم خود به وجود آمده است. تصرف در این زیبایی طبیعی با استفاده از زیبایی هنری و در قالب جراحی گاهی به خراب‌کاری منتهی می‌شود. عمل کوبیدن و ساختن از نو، در صورتی خوشایند است که طبیعی به‌نظر آید و از توازن هنری میان فرم و اجزا برخوردار باشد. یک متخصص گذشته از مهارت‌های پزشکی چقدر باید از آموزش‌های هنری برخوردار باشد تا بتواند چهره بیمار را به‌گونه‌ای دگرگون کند که تناسب اجزا و هماهنگی رنگ‌ها و انواع ظرافت‌های هنری و شگردهای همساز را بر روی صفحه صورت یا بدن متقاضی رعایت شود. (مورر، ۱۳۹۲: ۳۹)

انجام بعضی از جراحی‌های زیبایی مانند راه رفتن بر روی لبه تیغ است. اگر به اشتباه و یا به سبب عدم آگاهی از ظرافت‌های تخصصی، خطایی صورت گیرد چه‌بسا به‌جای صعود بر قله زیبایی، نتایج جبران‌ناپذیری به‌همراه داشته باشد. (لاریجانی، ۱۳۸۱: ۱۲۷) پس اطمینان از سلامت و اهتمام به تندرستی، در کنار ارجمندی میل به زیبایی، اقتضا می‌کند حتی‌الامکان با بهره‌مندی از نظافت و تمیزی و بهداشت شخصی، پیروی از عادت‌های سالم در زندگی روزمره، اکتفا به زیبایی طبیعی در اولویت قرار داده شود. مطابق آموزه‌های دینی قناعت بیشتر یک روحیه درونی است (کراجکی، ۱۳۶۹: ۲۸۹) که از بلندمندی (واسطی، ۱۳۷۶: ۴۷۱) و عقل‌ورزی (کلینی، ۱۳۶۳: ۱ / ۱۸) برمی‌خیزد و زندگی را خوش (واسطی، ۱۳۷۶: ۱۲۴) و آدمی را در راحتی قرار می‌دهد. (دیلمی، ۱۴۱۹: ق: ۲۹۸)

۴. پرهیز از تدلیس و فریب‌کاری

تدلیس به معنای خدعه و فریب است. در مباحث فقهی که از آن با نام «تدلیس ماشطه» یاد می‌شود مقصود پوشاندن عیب یا وصفی است که رغبتی به آن نیست و یا اظهار ساختگی کمال و زیبایی است که واقعاً در شخص وجود ندارد. فقها ذیل حکم شرعی فریب در نکاح، چنین مثال می‌زنند که زن آرایشگری به قصد فریب دادن دیگران، دختر زشتی را چنان زینت دهد که موجب بازنشاختن خواستگار شود و یا با ترفندهایی زن معیوبی را به گونه‌ای بیاراید که امر مشتبه شده و نقص در بدنش پنهان ماند. (حلی، ۱۴۱۰ ق: ۲ / ۴۶۹؛ نجفی، ۱۳۶۸: ۲۲ / ۱۱۳؛ امام خمینی، ۱۳۹۰: ۲ / ۲۸۰) محقق بحرانی که از فقهای نامدار قرن دوازدهم است می‌گوید شاید دلیل حرمت شرعی چنین عملی چیزی جز همان ناروایی اخلاقی فریب و غش و خدعه نباشد. (بحرانی، ۱۴۳۰ ق: ۱۸ / ۱۹۴)

انواع جراحی‌های زیبایی که به قصد ایجاد یا افزایش زیبایی انجام شوند به خودی خود از مصادیق خدعه و نیرنگ نیستند و بلکه گاهی عیبی را از بین می‌برند و یا به حسن فرد می‌افزایند، ولی اگر از سر پنهان‌کاری و به قصد پوشاندن راستی و فریب بیننده نسبت به واقعیت صورت گیرند تدلیس به حساب می‌آیند. در این صورت شخصی که می‌خواهد در قرارداد ازدواج یا هر تعهد سازمانی و اداری دیگری که در آن مؤلفه زیبایی و خوش‌نمایی و زیندگی دخالت اساسی دارد شرکت کند، چه زن باشد و چه مرد، اگر به گونه‌ای از آرایش تصنعی و جمال ساختگی استفاده کند که طرف مقابل فریب خورد و واقعیت امر بر او پنهان ماند، کاری از سر بی‌صدافتی و فریبکارانه و گمراه‌کننده انجام داده است. کاری که هم از جهت حقوقی و فقهی نادرست است و هم از لحاظ اخلاقی ناروا و بدگوهری به حساب می‌آید. (واسطی، ۱۳۷۶: ۲۹؛ تمیمی آمدی، ۱۳۸۶: ۲ / ۲۴۱) بله اگر جراحی زیبایی گونه‌ای شخص را تغییر دهد که به قضاوت عرفی، شکل جدیدش همان صورت واقعی کنونی‌اش به حساب آید و حقیقت ظاهر او همین صورت جدید وی تشخیص داده شود دیگر از مصادیق فریب نخواهد بود. در این فرض نتیجه عمل زیبایی بازگشت‌ناپذیر بوده و جمال جدید، زیبایی پوشالی و پیرایش توخالی نخواهد بود تا امر را بر دیگران مشتبه و غیر واقعی نماید.

۵. ملاحظات بندگی و دینی

متقاضی جراحی زیبایی که خود را مسلمان و متشرع می‌داند، می‌بایست پیش و حین عمل، کار خود را با خواست‌های الهی و تکلیف شرعی تطبیق دهد و اخلاق بندگی را گردن نهد. (صدوق، ۱۴۱۰ الف: ۱۷۴) به عنوان نمونه ابتدا برای احراز اینکه چنین عملی برای به دست آوردن زیبایی ضرر مهمی

ندارد تأیید جراح چیره‌دست و پایبند به سوگند پزشکی را دریافت کند (اسکیج، ۱۳۸۱: ۷۱؛ رازی، ۱۳۹۱: ۴۶؛ گلدوزیان، ۱۳۹۷: ۱۳۴ و ۱۸۶) چراکه ضرر زدن به خود اگر چشمگیر بوده و توجیه معقول و مشروعی نداشته باشد براساس آموزه‌های دینی روا نیست. (خوئی، ۱۴۱۳: ۴۷ / ۶۳۶؛ انصاری، ۱۴۲۶: ۲۳ / ۱۱۵؛ توسام، ۱۳۹۸: ۴۷)

«قاعده لا ضرر» در فقه اسلامی مشهور بلکه بر آن ادعای تواتر شده است. (خوئی، ۱۴۱۳: ۴۷ / ۶۰۰) بحث بیشتر پیرامون این قاعده درباره ضرر به دیگران است؛ ولی میان ضرر به خود با دیگران تفاوتی گذاشته نشده است. (انصاری، ۱۴۲۶: ۲۳ / ۱۱۶ - ۱۱۵) بر پایه مبانی و ادله فقهی، شخص می‌تواند در حیات خود به هر نحوی با اعضای خود رفتار کند و هرگونه تصرفی را در بدن خود انجام دهد تا هنگامی به خود و اعضایش ضرر وارد نکند.

برخی تصور کرده‌اند که جراحی زیبایی چون گونه‌ای تغییر در وجه ظاهری و خلقت شخصی است از مصادیق «تغییر و تبدیل خلقت» و دخالت در کار خدا بوده و انجام آن جایز نیست. (قرطبی، ۱۴۰۵: ۵ / ۳۹۳) آنان به آیاتی از قرآن تمسک می‌کنند که می‌فرماید در خلقت خدا نباید هیچ تغییری داد (روم / ۳۰) و دگرگونی در آفرینش را در زمره دستورات شیطان می‌داند. (نساء / ۱۱۹) لکن چنین عمل‌هایی که از دستاوردهای نوین علم پزشکی است - مانند تصرفاتی که از گذشته در بدن انجام می‌شده است؛ همچون تراشیدن موی سر و چیدن ناخن - از تغییرات مجاز به حساب می‌آید و منظور آیه نیست. هرچند میان مفسران در مراد از این آیات اختلاف نظر وجود دارد، لکن به نظر می‌رسد دیدگاه پذیرفتنی، نظری باشد که مقصود آیات مورد بحث را تغییر دین و حلال کردن محرمات و حرام کردن امور حلال و یا تغییر خلقتی می‌داند که در راستای هدف آفرینش نباشد. (طبرسی، ۱۴۱۵: ق: ۶ / ۵۸)

توضیح مطلب اینکه دو آیه محوری از قرآن کریم درباره تغییر و تبدیل خلقت سخن گفته است: آیه نخست تغییر خلقت را از دستورات شیطان می‌شمارد «وَلَا مَرْتَهُمْ فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرًا مُبِينًا» (نساء / ۱۱۹) و از سوی مفسران در این معانی تفسیر شده است: تغییر دین خداوند و شریعت او؛ تغییر و دست بردن در ظاهر انسان و حیوان، مانند اخته کردن حیوان یا زیباسازی و نگار کردن دست و پا و اندام زنان (ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۴: ۶ / ۱۲۲)؛ شبیه شدن زن به مرد (فخر رازی، ۱۴۲۶: ق: ۴ / ۴۲)؛ پرستش بعضی مخلوقات به جای استفاده از آنها. (طبرسی، ۱۴۱۵: ۳ / ۱۹۵ و ۸ / ۵۹) آیه دوم تبدیل خلقت را نفی می‌کند (روم / ۳۰) و در این امور

تفسیر شده است به تغییر دین خداوند؛ تغییر و دست بردن در ظاهر انسان و حیوان؛ نوع آفرینش انسان در انتخاب اطاعت و معصیت. (بحرالعلوم، ۱۴۰۵ ق: ۴ / ۴)

به نظر علامه طباطبایی مقصود هر دو آیه این است که فطرتی که بر وجود خداوند و دین او گواهی می‌دهد عوض نمی‌شود و آدمی نباید برخلاف دستور فطرت، تارک دین شود. ایشان می‌فرماید انسان‌ها چون نوع واحدی‌اند و سعادت و شقاوت آنها هم واحد است؛ پس فطرتی که به آنان هدیه شده تا مسیر سعادت را بپیمایند تغییرپذیر نخواهد بود و برای همه افراد انسان و در هر زمان و مکانی متفاوت نمی‌شود، مگر فی‌الجمله و در بعضی موارد. (طباطبائی، ۱۴۱۲: ۵ / ۸۵؛ ۷ / ۹۱ و ۲۴۷ و ۱۶ / ۱۷۸) فخر رازی نیز در هر دو آیه به چنین نظری اشاره می‌کند. (فخر رازی، ۱۴۲۶: ۴ / ۴۲ و ۹ / ۱۰۸)

بعضی خواسته‌اند تجویز فوق را از باب «حق مالکیت» انسان تبیین کنند. این حق می‌گوید بین انسان و اعضایش قسمی از رابطه مالکیت وجود دارد (خوئی، ۱۴۱۳: ۳۵ / ۱۴) که وجدان و سیره عقلا آن را تأیید و شرع همچنین سلطنتی را امضا کرده است. امام خمینی علیه السلام در بحث فقهی خویش، ضمن بیان تفاوت‌های حق، ملک و سلطنت، تصریح می‌کند که سلطه انسان‌ها بر نفوسشان امری عقلانی است و همان‌گونه که انسان بر اموال خود سلطه دارد بر نفس خود نیز مسلط است و چنین سلطه‌ای برای انسان این حق را ایجاد می‌کند که هرگونه تصرفی را مگر در موارد وجود مانع قانونی و شرعی انجام دهد. (امام خمینی، ۱۴۳۰ ق: ۱ / ۳۹ و ۴ / ۵۱۷) البته همان‌گونه که از این بیان روشن می‌شود انسان حاکم مطلق بر بدن خویش و مالک طلق جسم نیست تا بدون چارچوب و حد و مرزی در زیباسازی چهره و اندام خود کاملاً آزاد باشد. براساس تعالیم دین، جسم انسان امانتی است که در اختیار او قرار داده شده و وی مکلف به سلامتی آن است و هر نوع عملی را که برای بدن زیان‌بخش باشد حرام شمرده است. (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۳۴؛ مطهری، ۱۳۸۷: ۲ / ۲۸۵) البته زیان‌های کوتاه‌مدت و مشکلات معمول پس از عمل منظور نیست، بلکه زیانی مقصود است که بدن را در وضعیت تحلیل قرار دهد و بیماری ایجاد کند.

نتیجه

جراحی زیبایی به‌عنوان مصداق امروزی زیبایی‌طلبی و آذین‌خواهی حق طبیعی و مقبول نزد دین و عقل است. باوجوداین، متقاضی اجرای این میل فطری، می‌بایست کار خود را منطبق با مرزهای اخلاقی قرار دهد تا همانند ارضای سایر امیال دیگر طبیعی، کنترل شود و به انحراف کشیده نگردد.

او می‌بایست با درک ارزشمندی واقعی و کرامت اصلی خود، ذهنیت خود را از هرگونه تصویر منفی و بی‌اعتمادی و بی‌زاری نسبت به خویش پاکیزه سازد. سرمایه مادی و معنوی خود را صرف تنوع‌طلبی پوچ و بی‌معنا نکند. تاجایی که بشود به زیبایی طبیعی بسنده کند و از خودنمایی‌هایی که به انگیزه فخرفروشی و از روی چشم‌وهم‌چشمی صورت می‌گیرد پرهیز نماید. مدگرایی و نوگرایی مبتنی بر عقلانیت و خردورزی را همراهی کند ولی کرامت و عزت خود را مصرف تقلیدهای بی‌پایه و ناآگاهانه نکند. به‌جای توجه بیشتر به ظاهر، درون خود را به زیبایی‌های معنوی بیاراید. همچنین قصد خود را از جراحی زیبایی فریب دیگران قرار ندهد و در انجام آن، مطالبات دینی را ملاحظه نماید.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. ابن شعبه حرانی، حسن، ۱۴۲۳ ق، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۲. اسپونویل، آندره کنت، ۱۳۸۸ ش، *رساله‌ای کوچک در باب فضیلت‌های بزرگ*، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران، آگه.
۳. اسکچ، دی. جی، ۱۳۸۱ ش، *حقوق، اخلاق و پزشکی، مطالعه در حقوق پزشکی*، ترجمه محمود عباسی و بهرام مشایخی، تهران، حقوقی.
۴. امام خمینی، سید روح الله، ۱۳۹۰ ش، *تحریر الوسیلة*، تهران، دار الکتب العلمیة.
۵. امام خمینی، سید روح الله، ۱۴۳۰ ق، *کتاب البیع*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته.
۶. انصاری، مرتضی، ۱۴۲۶ ق، *تراث الشیخ الأعظم*، قم، مجمع الفکر الإسلامی.
۷. اولسن، مریل، ۱۳۸۸ ش، *جراحی زیبایی*، ترجمه شهروز فرهنگ، تهران، کلید آموزش، چ ۱.
۸. بحر العلوم، سید مرتضی، ۱۴۰۵ ق، *الأهالی*، قم، منشورات مکتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی.
۹. بحرانی، الشیخ یوسف، ۱۴۳۰ ق، *الحدائق الناضرة*، المحقق الإیروانی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۰. برجسته، سحر و همکاران، ۱۳۹۳ ش، *سلامت، بهداشت و زیبایی در عصر قاجار*، ترجمه مسعود کثیری، تهران، امیر کبیر.
۱۱. تاتار کیویچ، ولادیسلاف، ۱۳۹۲ ش، *تاریخ زیبایی‌شناسی*، ترجمه جواد فندرسکی، تهران، علم.
۱۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۸۶ ش، *نور الحکیم و درر الکلم*، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حق زیبایی‌طلبی و مدیریت اخلاقی آن در متقاضی جراحی زیبایی با رویکرد اسلامی □ ۱۵۱

۱۳. توسام، مبیله جروم، ۱۳۹۸، *فلسفه و اخلاق زیستی*، ترجمه ناصر مؤمنی، تهران، شونند.
۱۴. توفیق، سعید، ۱۳۹۵ ش، *نقد مفهوم زیبایی‌شناسی اسلامی*، ترجمه سوسن عباسیان، تهران، کتاب زندگی روزانه.
۱۵. جعفری، محمدتقی، ۱۳۶۹ ش، *زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۶. جندقی، بهروز، ۱۳۸۵، *درآمدی بر فلسفه حقوق از آندرو آتمن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۷. حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، ۱۴۰۸ ق، *نزهة الناظر و تنبيه الخاطو*، قم، مدرسة الإمام المهدي علیه السلام.
۱۸. حلی (علامه)، حسن بن یوسف، ۱۴۱۰ ق، *نهایة الأحکام*، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، مؤسسه إسماعیلیان للطباعة والنشر والتوزیع.
۱۹. خبازنابت، سرور؛ مولود کیخسروانی؛ محمدرضا بحرانی و علی پولادی ریشه‌ری، ۱۴۰۱ ش، (زمستان) «رابطه بین گرایش به جراحی زیبایی با تصویر بدنی منفی و باورهای غیرمنطقی زنان متقاضی جراحی زیبایی»، *مجله روان‌شناسی سلامت*، تهران، سال ۱۱، ش ۴۴، ص ۶۵.
۲۰. خوئی، سید ابوالقاسم، ۱۴۱۳ ق، *موسوعة آية الله الخوئی*، قم، مؤسسه الخوئی الإسلامية.
۲۱. دانشور، سیمین، ۱۳۷۵ ش، *شناخت و تحسین هنر*، تهران، نشر سیامک.
۲۲. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۹۵ ش، *لغت‌نامه*، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان (کتاب الکترونیکی).
۲۳. دورانت، ویل، ۱۳۸۹ ش، *تاریخ فلسفه*، ترجمه عباس زریاب، تهران، علمی و فرهنگی.
۲۴. دیلمی، حسن، ۱۴۱۹ ق، *أعلام الدین فی صفات المؤمنین*، قم، مؤسسه آل‌البت علیهم السلام.
۲۵. رازی أبوالفتوح، ۱۳۷۴ ش، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۶. رازی، محمد بن زکریا، ۱۳۹۱ ش، *بایسته‌های اخلاقی پزشکی از نگاه رازی*، ترجمه محمدحسین ساکت، تهران، المعی.
۲۷. رید، هربرت، ۱۳۵۴ ش، *معنی هنر*، ترجمه نجف دریابندری، تهران، کتاب‌های جیبی.
۲۸. ساکت، محمدحسین، ۱۳۸۷ ش، *حقوق‌شناسی؛ دیباچه‌ای بر دانش حقوق*، تهران، ثالث.
۲۹. سبحانی‌نیا، محمدتقی، ۱۳۹۲ ش، *رفتار اخلاقی انسان با خود*، قم، دار الحدیث.

۳۰. شریف رضی، محمد بن حسین، ۱۳۷۹ ش، *نهج البلاغه*، ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام، تهران، فقیه.
۳۱. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۳۶۸ ش، *نواب الاعمال*، قم، منشورات الشریف الرضی.
۳۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۱۰ ق الف، *الأمالی*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۳۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۱۰ ق ب، *معانی الأخبار*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۳۴. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۲ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، اسماعیلیان.
۳۵. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۲۷ ق، *سنن النبی ﷺ*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۳۶. طبرسی، حسن، ۱۴۱۵ ق، *مجمع البیان*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۳۷. طبرسی، حسن، ۱۴۲۵ ق، *مکارم الاخلاق*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۳۸. طوسی، محمد نصیرالدین، ۱۳۸۷ ش، *اخلاق ناصری*، تهران، خوارزمی.
۳۹. فخر رازی، محمد، ۱۴۲۶ ق، *تفسیر الکبیر*، بیروت، دار الفکر.
۴۰. فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۸۸ ش، *اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام*، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۴۱. قرطبی، شمس‌الدین، ۱۴۰۵ ق، *الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی)*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۴۲. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۸ ش، *مقدمه علم حقوق*، تهران، دانشگاه تهران.
۴۳. کراجکی، ابوالفتح محمد بن علی بن عثمان، ۱۳۶۹ ش، *کنز الفوائد*، قم، مکتبه المصطفوی.
۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۳ ش، *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۴۵. کوماراسوامی، آناندا، ۱۳۸۹ ش، *فلسفه هنر مسیحی و شرقی*، ترجمه امیرحسین ذکرگو، تهران، مؤسسه تألیف.
۴۶. گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۷ ش، *حقوق جزای اختصاصی*، تهران، دانشگاه تهران.
۴۷. لاریجانی، باقر، ۱۳۸۱ ش، *اخلاق در پژوهش‌های پزشکی*، تهران، برای فردا.
۴۸. لوینسون، جرولد، ۱۳۹۰ ش، *مسائل کلی زیبایی‌شناسی*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران، مؤسسه تألیف.
۴۹. مسکویه، احمد، ۱۳۷۱ ش، *تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق*، قم، بیدار.
۵۰. مصطفوی، حسن، ۲۰۰۹ م، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۵۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵ ش، *یادداشت‌های استاد مطهری*، تهران، صدرا.
۵۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷ ش، *مجموعه آثار*، قم، صدرا.
۵۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۴ ق، *إرشاد*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیه السلام.

حق زیبایی‌طلبی و مدیریت اخلاقی آن در متقاضی جراحی زیبایی با رویکرد اسلامی □ ۱۵۳

۵۴. مورر، آرمنند آگوستین، ۱۳۹۲ ش، *فلسفه زیبایی: تفسیری تومایی*، ترجمه هادی ربیعی، تهران، حکمت.

۵۵. نجفی، حسن، ۱۳۶۸، *جواهر الکلام*، طهران، دار الکتب الإسلامية.

۵۶. نهاماس، الکساندر، ۱۴۰۰ ش، *جایگاه زیبایی در عالم هنر*، ترجمه مسعود حسینی، تهران، ققنوس.

۵۷. هدایتی، محمد، ۱۳۹۳ ش، (زمستان)، «گسست‌ها و پیوندهای دینی با اخلاق»، *فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ش ۶۱، زمستان.

۵۸. هدایتی، محمد، ۱۳۹۵ ش، *مناسبات فقه و اخلاق*، تهران، نگاه معاصر.

۵۹. هندی، علی، ۱۴۰۹ ق، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسة الرسالة.

۶۰. واسطی، علی، ۱۳۷۶ ش، *عیون الحکم و المواعظ*، قم، دار الحدیث.

61. https://www.verywellhealth.com/facial_plastic_surgery_overview_5114443

